

مقایسه فعالیت‌های تولیدی زنان روستایی در سه منطقه متفاوت از یک اقلیم

ناهید مطیع، فریده سرحدی

بشر از دیر باز تحت تأثیر شرایط محیطی و اقلیمی پیرامونش قرار گرفته است. به طوری که بسیاری از فعالیت‌های تولیدی و حتی اجتماعی‌اش بر پایه این شرایط شکل گرفته است. البته چنین به نظر می‌رسد که همراه با پیچیده‌تر شدن جوامع و پیشرفت علوم و فنون جدید، این رابطه به صورت معکوس در می‌آید. یعنی انسان با بکارگیری تکنولوژی مدرن، نفوذ و تسلط خویش را بر محیط پیرامونش هر چه بیشتر اعمال می‌کند. هر چند که تسلط همه جانبه بشر بر اقلیم و طبیعتش، حتی در کشورهای صنعتی نیز زیر سؤال است،^(۱) اما می‌توان گفت انسان در کشورهای جهان سوم و بویژه در محیط‌های روستایی، هنوز تا حد زیادی تحت تأثیر شرایط اقلیمی قرار دارد.

البته باید توجه داشت منظور از «شرایط اقلیمی» تنها ویژگی‌هایی همچون میزان بارش باران، درجه هوا، رطوبت و ... نیست. بلکه شرایط اقلیمی خود مجموعه وسیعی را در برمی‌گیرد که عناصری را به صورت زنجیره‌ای به یکدیگر متصل می‌کند. مثلاً شرایط اقلیمی خود می‌تواند تا حدودی نزدیکی یا دوری روستا از شهر را تعیین کند و به همین

ترتیب میزان فاصله روستا از شهرمی تواند برخوردار یا عدم برخوردار ی روستائیان را نسبت به برخی از خدمات عمرانی همچون جاده مناسب، مدرسه، آب بهداشتی، برق، حمام، وسایل مدرن زندگی و ... تعیین نماید. بنابر این شاید بتوان گفت در اکثر روستاهای ایران داشتن اقلیم مناسب و معقول، تا حد زیادی حیات اقتصادی - اجتماعی قشرهای مختلف روستایی را تحت تأثیر قرار می دهد. بررسی حاضر به منظور نشان دادن این وضعیت انجام شده است. بدین منظور سه روستای مختلف در منطقه گیلان انتخاب شدند تا تأثیرات اقلیم را بر فعالیت تولیدی زنان روستایی بررسی کنیم. این روستاها هر یک اقلیمی خاص و متفاوت از دیگری دارند:

۱- روستای چاف پایین (منطقه جلگه ای)

۲- روستای ملومه (منطقه کوهستانی)

۳- روستای آهندان (منطقه کوهپایه)

اهداف ما از این بررسی عبارتند از:

۱- نشان دادن تأثیر اقلیم بر نقش تولیدی زنان روستائی و مقایسه آن در اقلیمهای مختلف.

۲- مقایسه فعالیتهای تولیدی زنان روستا با فعالیت مردان و یافتن تشابهات و اختلافات آن روش ما در این بررسی، روش میدانی و تکنیک های مورد استفاده مصاحبه و مشاهده توأم بوده است. (۲)

اینک به شرح مناطق مورد نظر می پردازیم:

۱- منطقه جلگه ای: روستای « چاف پایین »

روستای « چاف پایین » جزو دهستان رود بند در ۴۰ کیلومتری شمال خاوری لاهیجان و در ۱۰ کیلومتری لنگرود واقع شده است. از نظر ریخت شناسی، این روستا از نوع روستاهای مجتمعی است. شکل ساختمان منازل متأثر از خانه های شهری است و عمدتاً سیمان و بتون

در ساخت آنها به کار رفته است. گسترش فعالیت‌های خدماتی مانند برنج کوبی، مکانیکی، بزازی، سبزی فروشی، بقالی، خیاطی و آرایشگری، کبابی و نانواپی در این روستا محسوس است. در این روستا ۷۰۰ خانوار زندگی می‌کنند. تعداد زنان ۱۷۵۶ نفر و مردان ۱۷۴۴ نفر می‌باشد. آب آشامیدنی روستا از طریق چاه‌های خانگی تأمین شده و اغلب خانه‌ها دارای برق می‌باشند. طی چند دهه اخیر با نفوذ مبادلات کالائی تعادل اقتصاد خودمصرفی روستا بهم خورده است، به گونه‌ای که اکنون نظام اقتصادی رایج در روستا مبتنی بر همزیستی اقتصاد کالائی و خود مصرفی است. فعالیت‌های عمده در آمدی شامل برنج کاری، نوغان، صید و شکار پرندگان است که معمولاً روستائیان در فصل کار و گاه در فصل بیکاری به آن می‌پردازند. حصیر بافی و دامداری و سبزی کاری جز و فعالیت‌های معیشتی به شمار می‌آیند و باز ده این تولیدات عمدتاً به مصرف شخصی می‌رسد.

مهمترین فعالیت اقتصادی این روستا که زنان فعالانه در آن مشارکت دارند، برنج کاری است. وسعت اراضی برنج کاری ۶۳۰ هکتار است (بیجار). کمترین میزان زمین ۱۰ هزار مترمربع است که عمدتاً متعلق به خانوارهایی است که به تازگی ازدواج کرده‌اند. بالاترین میزان زمین ۵ هکتار می‌باشد و متعلق به قشرهای مرفه روستایی است.

معمولاً خانوارهایی که برنج مازاد بر مصرف شخصی دارند، این مازاد را می‌فروشند. سازماندهی تولید متکی بر کارافراد خانوار است، گرچه به هنگام شدت کار از نیروی کار دستمزدی و یاوری نیز بهره می‌گیرند. شخم و خرمن‌کوبی^(۳) توسط ماشین آلات انجام می‌شود و این قبیل کارها در تخصص مردان است و زنان در آن دخالتی ندارند. در گفتگویی که با زنان این روستا داشتیم در پاسخ به این سؤال که چه کار می‌کنید؟ یکی از ایشان می‌گفت: زحمت ما به قدری زیاد است که شب که می‌خواهیم آرزو می‌کنیم صبح نشود. وی افزود خستگی ناشی از کار برنج کاری از سوئی و ابتلای زنان به بیماری‌های کمر درد و استخوان درد بر اثر خم و راست شدن مداوم، استفاده از آب‌های آلوده و تهدید به بیماری‌های زنان از سوی دیگر از جمله مشکلاتی است که سلامتی ما را تهدید می‌کند. وی آرزو

می‌کرد که نشاء کاری هم ماشینی شود، تا از زحمتش کم گردد. آنچه مسلم است برنج کاری در گرو تلاش زنان است، چرا که بیش از ۷۵ درصد کار آنرا زنان به عهده دارند. مردان در امور مربوط به کود دادن، سمپاشی، استفاده از سم علف کش، درو و خرمن کوبی، شخم باتیلر، دیسک و مرزبندی شرکت دارند، غیر از درو و خرمن کوبی که مشترکاً توسط هر دو انجام می‌شود، زنان در کارهایی که مخصوص مردان است دخالتی ندارند.

بعلاوه از نظر فرهنگی و رسم و سنت متعارف درست نیست که مردان کارهایی نظیر نشاء و وجین را که به «زنانه کار» معروف است، انجام دهند. تنها در مواقعی که شدت کار زنان بسیار زیاد است، مردان تهیه غذا و حمل آن را تا سر مرزعه برعهده می‌گیرند. تا از اتلاف وقت جلوگیری کرده و بهره‌گیری هر چه بیشتر از کار صورت گیرد.

یکی دیگر از فعالیتهای این روستا نوغانداری است. این کار به «مردانه کار» شهرت دارد و لی مشاهدات نشان داد که زنان نیز در این فعالیت سهم هستند. زنان در گردآوری و جدا کردن پيله‌های مرغوب از نامرغوب (پيله‌های نامرغوب به کچ معروفند) بیش از مردان کار می‌کنند. به این ترتیب در نوغانداری بیش از ۷۰ تا ۸۰ درصد کارها را مردان انجام می‌دهند. رسیدن پيله‌های نامرغوب برای تهیه نخ «چاشو»^(۴) در این روستا کمتر رواج دارد و عموماً زنان آنرا از بازار تهیه می‌کنند.

از دیگر فعالیتهای این روستا که زنان هیچ‌گونه سهمی در آن ندارند، شکار پرندگان از مردابها و صید ماهی از دریاست. مازاد این محصولات در بازار لنگرود به فروش می‌رسد. ابزار و وسایل کار صید از بازار تهیه می‌شود. گرچه در گذشته زنان در بافتن تور ماهیگیری سهم داشتند، ولی امروزه این فعالیت در بین آنها به کلی منسوخ شده است.

سبزی‌کاری یکی از تلاشهای رایج در این روستاست که سالانه سه بار در فصل کار صورت می‌گیرد. زنان، سیر، باقلا، جعفری، شبت و صیفی می‌کارند، وجین می‌کنند و بالاخره برداشت می‌کنند. محصول این کار به مصرف شخصی می‌رسد مگر در خانواری که زمین و سرمایه بیشتری به این کار اختصاص بدهد.

زنان این روستا در دامداری نیز شرکت دارند. فعالیت‌هایی همچون زایمان و دوشیدن دامها، تهیه مواد لبنی، تمیز کردن جا و تعلیف دام بر عهده ایشان است. کنف و همچنین بافتن آن که در گذشته توسط زنان این روستا معمول بود، امروزه به کلی منسوخ شده است. حصیر بافی از فعالیت‌های دستی است که زنان در زمان کاهش شدت تراکم کار در فصل کار و همچنین در فصل بیکاری به تهیه آن مبادرت دارند. جمع آوری گالی از داخل مردابها، خشک کردن و بافتن گالیها با وسیله‌ای بنام « وته » از جمله مراحل کار حصیر بافی است که زنان به آن اشتغال دارند. در سالهای اخیر میزان استفاده از حصیر با ورود موکت و فرش ماشینی کمتر شده است. به این ترتیب گمان می‌رود که در آینده این نوع فعالیت دستی کاملاً فراموش شود.

خانه‌داری از وظایف پر زحمت زنان است. زنان روستایی علاوه بر کار در مزرعه به پخت و پز، نظافت، تهیه مربا و ترشی می‌پردازند.

مقایسه وضعیت زنان و مردان از نظر تحرک شغلی گویای این واقعیت است که در سالهای اخیر مردها در کار کشاورزی به کارهای خدماتی نظیر مکانیکی و کاسبی و احیاناً اداری روی آورده‌اند. در میان زنان روستایی، گروهی که تحصیل کرده‌اند کمتر به کار کشاورزی تن در می‌دهند و بیشتر به معلمی و یا کارهای اداری دیگر روی می‌آورند. بعضی از زنان به محض یافتن امکاناتی در شهر نظیر درس و ازدواج خود را از بار طاقت فرسای کار کشاورزی خلاص می‌کنند.

۲- منطقه کوهستانی: روستای ملومه

روستای ملومه در ۷۰ کیلومتری لاهیجان و در ۱۰ کیلومتری دیلمان واقع شده و از نظر تقسیمات کشوری جزء دهستان دیلمان به شمار می‌رود. از نظر موقعیت جغرافیایی، این روستا در جنوب غربی دیلمان و جنوب شرقی سیاهکل قرار دارد. کوهستانی بودن منطقه سبب شده که روستا شکل پلکانی به خود بگیرد، به گونه‌ای که حیاط یک خانه پشت بام

منزل دیگر می شود. خانه‌ها چسبیده به هم هستند، به طوری که روستا را به صورت مجموعه پیوسته‌ای در آورده‌اند. زمینهای زراعی از مناطق مسکونی فاصله دارند. خانه‌ها از چوب و خشت و گل در سطح بالایی از زمین بنا شده‌اند. هر منزل مسکونی دو یا سه اتاق و یک ایوان دارد. در این منازل محل مخصوصی به آشپزی اختصاص ندارد. به همین جهت از هر اتاق برای این کار می توان استفاده کرد. تنور در خارج از خانه قرار دارد و به صورت سرپوشیده است و سوخت آن از هیزم و فضولات دام تأمین می شود. ایوان، محل نشیمن افراد خانواده در فصل تابستان است. این روستا ۱۰۶ خانوار و ۵۷۱ نفر جمعیت دارد. نزدیک به ۵۱/۵ درصد جمعیت را مردان و بقیه را زنان تشکیل می دهند.

فعالیت اقتصادی روستا حول کشاورزی و دامداری دور می زند. فعالیتهای کشاورزی به ترتیب اهمیت و وسعت شامل کشت گندم، جو، عدس، لوبیا، و ذرت است که به صورت دیمی کشت می شوند. در این روستا ۳۰۰ هکتار زمین دیم و تنها ۶ هکتار زمین آبی وجود دارد. فعالیتهای دامپروری شامل پرورش گوسفند، بز و گاو می شود. علاوه بر این پرورش طیور هم در بین خانوارها متداول است. عمده تولیدات کشاورزی و دامپروری جنبه خود-مصرفی دارد. محصولاتی که مازاد بر مصرفند به صورت پایاپای در محل مورد مبادله قرار می گیرند. در واقع نیاز اقتصادی افراد از طریق مبادلات پایاپای تأمین می شود، فقط بعضی از مایحتاج زندگی از قبیل قند و شکر، صابون و نفت از دیلمان تهیه می گردد.

فصل کار کشاورزی از بهار آغاز می شود و تا اواخر پائیز ادامه می یابد. در این فصل زنان دو شادوش مردان به فعالیت کشاورزی مشغولند، ضمن اینکه مسئولیتهای دیگری مانند خانه داری و تهیه نان مورد نیاز خانواده را نیز به عهده دارند. میزان فعالیت زنان و مردان در کار کشاورزی محصولات مختلف فرق می کند. در کشت گندم و جو مردها ۷۵ درصد و زنان ۲۵ درصد سهم دارند، در کاشت عدس میزان فعالیت زنان و مردان مساوی است و در کشت محصولاتی نظیر باقلا درصد سهم زنان در مقابل مردان به ۳۰ درصد می رسد. البته در فعالیت سبزی‌کاری فقط زنان شرکت دارند. شخم محصولات زراعتی غیر از

سبزی‌کاری به عهده مردهاست. کودپاشی باقلا و سبزی را زنان و عدس و جو و گندم را مردان انجام می‌دهند. بذر پاشی گندم و جو را مردها و سایر محصولات را زنان بر عهده دارند. چون گندم، جو و عدس دیمی است و به آبیاری نیاز ندارد، از این رو به وجین هم نیازی نیست، اولی در مورد باقلا و سبزی که متناوباً هفته‌ای یکبار توسط زنان آبیاری می‌شود، وجین کاری اجتناب ناپذیر است.

در درو و یا برداشت این محصولات زنان و مردان با هم شرکت دارند. خرمن‌کوبی گندم و جو و حمل محصولات به عهده مردهاست، در حالیکه زنان پوست‌کندن و خشک کردن و شستن عدس و باقلا را انجام داده، انبار کردن این محصولات نیز به عهده ایشان است.

دامداری از فعالیت‌های عمده در این روستاست، تعلیف و نظافت دام، شیر دوشی و تهیه مواد لبنی توسط زنان انجام می‌گیرد. همچنین در چیدن پشم گوسفندان به مردها کمک می‌کنند اما چرای دامها را مردان انجام می‌دهند.

در فصل بیکاری، زنان از پشم گوسفندان، انواع جوراب و شال، جاجیم و دستکش و پوشاک می‌بافند. مهاجرت فصلی برای کسب در آمد توسط مردان و زنان در این فصل صورت می‌گیرد. یعنی زنان برای جمع‌آوری محصول و مردان برای کارهای ساختمانی رهسپار نقاط مختلف می‌گردند. در این روستا سهم زنان در خانه‌داری سنگین‌تر از دو روستای دیگر است. به طوری که ساختن تنور، تهیه سوخت، مایه‌گیری خمیر و پخت نان (هفته‌ای دو سه بار) را زنان انجام می‌دهند. بعلاوه تهیه انواع رب و حمل آب از چشمه نیز به سایر امور خانه‌داری اضافه می‌شود.

منطقه کوهپایه: روستای آهندان

آهندان یکی از ۱۷ روستای دهستان حومه است که با شهر لاهیجان ۳ کیلومتر فاصله دارد. این روستا در جنوب لاهیجان و در دامنه کوه قرار گرفته است. زمینهای زراعی روستا ۷۰ هکتار (شالیزار) و مساحت باغات آن ۱۳۰ هکتار می‌باشد. جمعیت این روستا ۱۱۲۸

نفر است و ۲۵۳ خانوار در آن ساکن هستند. جاده اصلی که از میان ده می‌گذرد، به منزله ستون فقرات روستاست که آنرا به دو ضلع گسترده شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند، در امتداد ضلع جنوبی زمینهای شیب‌دار غیر قابل نفوذی وجود دارد که به کشت چای و توتستانها اختصاص دارد. در امتداد ضلع شمالی زمینهای پست قابل نفوذ آب خوری به چشم می‌خورد که به کشت برنج تعلق دارد. از لحاظ شکل ده می‌توان گفت این روستا از نوع نیمه پراکنده است. خانه‌های مسکونی بیشتر در مرکز ده قرار دارند. این خانه‌ها به فاصله‌های کم در مجاورت یکدیگر و در دو سوی جاده واقع شده‌اند.

حیاط خانه‌ها در بعضی موارد بدون حصار و با علامتهای قراردادی از سایر واحدهای مسکونی جدا می‌گردند، آب آشامیدنی توسط چاههای کم عمق تأمین می‌شود.

فعالیت روزانه زن آهندانی معمولاً از ساعت پنج صبح آغاز می‌شود و تا پاسی از شب ادامه دارد. در فصل کار که از اواخر اسفند ماه تا اواخر مهرماه به طول می‌انجامد، مهمترین فعالیت زن آهندانی، عملیات زراعی کشت برنج است. عملیات منحصرأ زنانه در کشت برنج عبارتند از آماده سازی خزانه، نشاءکاری و وجین اول و دوم.

در سایر عملیات برنج‌کاری یعنی برداشت محصول، خرمن کوبی و برنج کوبی زنان به همراه مردان شرکت دارند و فقط عملیاتی چون شخم، کودپاشی، مرزکشی و لایروبی کاملاً مردانه تلقی می‌شود. زنان آهندانی در چای‌کاری که یکی دیگر از منابع درآمد روستاست نیز نیروی عمده به شمار می‌روند. به طوری که بلوزدن، کاشتن بذر، کودپاشی، وجین و چیدن محصول بر عهده آنهاست.

البته این محصولات عمدتاً به مصرف خانوار می‌رسد و برای فروش تولید نمی‌شود. در فصل بیکاری که تقریباً از اواخر مهر ماه تا اواخر اسفند ماه ادامه می‌یابد، زن آهندانی همچنان پرتلاش و کار آمد است. ولی شدت و تراکم فعالیت وی نسبت به فصل کار کمتر است.

حصیربافی، نخ رسی، تهیه رب و مربا، تهیه چای دست پیچ، پوست‌کندن گردو، کوبیدن

آن، تعمیر و سفیدکاری خانه از جمله فعالیت‌های زن در فصل بیکاری است. از آنجا که کف پوش خانه های روستائی آهندان را غالباً حصیر تشکیل می‌دهد، زن آهندانی موظف است هر سال در فصل زمستان حصیربافی کند (میانگین عمر هر حصیر یک سال است). نخ رسی که در گذشته از فعالیت‌های عمده زن روستائی محسوب می‌شد، امروزه نیز ادامه دارد، به طوری که زنان از پيله‌های نامرغوب کرم ابریشم، چاشویا شال کمر تهیه می‌کنند. باید اضافه نمود که در گذشته نخ رسی پيله‌های ابریشمی کاملاً به صورت سنتی و توسط زنان انجام می‌شود. اما امروزه با پیدایش کارخانجات ابریشم بافی، این مرحله توسط کارگران کارخانجات که اکثراً مرد هستند، انجام می‌گیرد.

تهیه چای دست‌پیچ که کاری سنتی است، امروزه به خاطر پیدایش کارخانجات چای خشک کنی کمتر رایج است. برای تهیه این نوع چای، برگ تازه چای را ۲ تا ۳ ساعت در طشت می‌سایند و سپس طشت را روی چراغ گذاشته و یک تا دو ساعت پیاپی بهم می‌زنند تا خشک شود.

چیدن گردو فعالیتی مردانه تلقی می‌شود که در اواخر شهریور ماه انجام می‌گیرد. اما زنان گردوها را جمع‌آوری کرده، از دو پوست در آورده و می‌کوبند. سپس گردوهای کوبیده شده را به صورت گلوله بزرگ در می‌آورند و در بخت انواع غذاهای محلی خصوصاً « آغوز کباب » از آن استفاده می‌کنند. همچنین زن آهندانی هر یک از پوستهای گردو را به مصرف خاصی می‌رساند. یعنی از پوست سبز گردو پس از خشک شدن، به جای کود در باغچه سبزی خود استفاده می‌کند و پوست چوبی گردو را به مصرف سوخت گرمازا می‌رساند.

زنان روستائی آهندان علاوه بر فعالیت‌های فوق در طی روز وظایف خانه داری نظیر آشپزی، شستشو، نظافت منزل و نگهداری از کودکان را بر عهده دارند. بعلاوه در هر خانه معمولاً تعداد کمی دام (گاو) و طیور (مرغ و خروس) نگهداری می‌شود و زنان در شیردوشی، ماست زنی، جمع‌آوری تخم مرغ، تمیز کردن آغل و غذا دادن به این حیوانات، سهم ویژه‌ای دارند.

با وجود این همه سختی و مشقت زن آهندانی کار کشاورزی را دوست دارد و در مقایسه با دیگر مشاغل زنان آنرا ترجیح می‌دهد. اما آرزو می‌کند که دخترانش درس بخوانند و معلم و دکتر و پرستار شوند تا مجبور نباشند فشار و زحمت کار کشاورزی را تحمل کنند. با اینکه به قول مردان روستای آهندان « زنان سنگ زیرین آسیا هستند » و بیش از مردان فعالیت می‌کنند باز هم زنان نسبت به مردان از مرتبه اجتماعی پایین‌تری برخوردارند.

« مقایسه فعالیت زنان در سه روستای منتخب »

مقایسه وضعیت فعالیت زنان در سه روستای یاد شده، بیانگر این امر است که نوع اقلیمهای مختلف و نحوه ارتباط روستا با شهر در نوع و میزان فعالیت ایشان، تأثیر مستقیمی دارد.

روستای چاف پایین (منطقه جلگه‌ای) واقع در ۱۰ کیلومتری لنگرود، به دلایل مختلف از جمله اسفالت بودن جاده اصلی روستا و نزدیکی باشهر، بتدریج بافت روستایی را از دست داده و به صورت شهرک درآمده است. این امر را می‌توان از شکل مصالح به کار گرفته شده در ساخت خانه‌های روستا، لوازم و وسائل خانگی، نوع تغذیه خانوارهای روستایی و گسترش تأسیسات خدماتی و تجاری در روستا دریافت. در واقع اقتصاد کالایی به تدریج جایگزین اقتصاد معیشتی و خود مصرفی روستا شده است، و از این رو بسیاری از فعالیت‌های سنتی زنانه منسوخ شده و مشاغل جدید (خیاطی، آرایشگری و معلمی و ...) جایگزین آنها شده است. در حال حاضر مهمترین منبع درآمد روستائیان برنج‌کاری است و زنان روستا هنوز در این امر سهم عمده‌ای را دارا هستند ولی بسیاری از وظایف سنتی زنان همچون حصیربافی، تور بافی، نخ رسی، کشت کف و بافت آن منسوخ شده است.

روستای ملومه یکی از روستاهای کوهستانی و دور افتاده منطقه دیلمان محسوب می‌شود. این روستا بیش از ده کیلومتر با دیلمان فاصله ندارد، با این همه آب و هوای

خشک، زمستانهای سرد و طولانی، عدم جاده آسفالت و کمبود منابع آب کشاورزی، همگی عواملی هستند که به تداوم و جان سختی اقتصاد معیشتی در این روستا کمک می‌نمایند. کشت حبوبات به صورت دیم و دانه‌داری از منابع مهم درآمد روستا به شمار می‌آیند. البته باید توجه داشت که اقتصاد کالائی کمتر در این روستا نفوذ کرده است. بنابراین اغلب زنان روستا در فعالیتهای زراعی نقش عمده‌ای دارند و عملیاتی چون آبیاری، برداشت، خشک کردن و پوست‌کنی حبوبات را انجام می‌دهند. در دامداری نیز وظایف عمده با زنان است. بعلاوه تداوم بافت سنتی و عدم نفوذ گسترده خدمات شهری در این روستا، وظایف سنتی دیگری را به زنان تفویض کرده است که مهمترین آنها عبارتند از حمل آب آشامیدنی از چشمه، پختن نان، جمع‌آوری هیزم، پشم‌ریسی و بافت جوراب، دستکش، شال و جاجیم.

اقلیم خاص روستای آهندان، یعنی فرار گرفتن آن در منطقه کوهپایه‌ای امکان کشت محصولات متنوعی را فراهم کرده است. برنج، چای، نوزان، انواع سبزی، باقلا و سیر محصولات سنتی هستند که در این روستا به عمل می‌آیند.

ویژگی این روستا، همزیستی دو نوع شیوه تولید یعنی تولید کالائی و معیشتی در کنار یکدیگر و به صورت متعادل و هماهنگ است. به طوری که نمی‌توان دقیقاً تعیین نمود کدامیک بر دیگری تفوق دارد. برنج که محصول و غذای اصلی روستائیان است، فقط در صورتی به فروش می‌رسد که مازاد مصرف خوراکی خانوار باشد. همچنین سایر مواد خوراکی مثل سبزی، گردو، باقلا، تخم‌مرغ و ماست، همگی به مصرف خانوار می‌رسند. تنها محصولات کالائی که اساساً به قصد فروش تولید می‌شوند، برگ سبزی چای و پیله نوزان می‌باشد.

به این ترتیب فعالیت زنان نیز فعالیتی دوگانه است، یعنی از طرفی به عنوان عضو خانواده در فعالیتهای تولیدی و معیشتی خانوار شرکت دارند و از طرف دیگر به عنوان کارگر روزمزد، در مزارع سایر خانوارها کار می‌کنند و بتدریج به سایر مشاغل زنان مثل

معلمی، پرستاری، آرایشگری و کارمندی تمایل پیدا می‌کنند.

در واقع به‌طور کلی وجود تشابه و افتراق فعالیت زنان در سه روستای مورد بررسی را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی نمود:

۱- فعالیت زنان در هر سه روستا، چه در امر تولید کشاورزی و چه در امر خانه‌داری بارز و چشمگیر است. زن‌ها همپایه مردان چه در صحنه اجتماعی و چه در محیط خانوادگی پرتلاش و فعالند.

۲- علی‌رغم سهم گسترده زنان در افزایش درآمد خانوار، نقش ایشان در تصمیم‌گیریهای کلیدی همچون فروش محصول، خرج و دخل خانه و مدیریت واحد تولیدی بسیار ناچیز است و تفوق فرهنگ پدر سالاری و مرد سالاری ایشان را به صورت موجود زیر دست و ابسته در آورده است.

۳- وجود اقلیم متنوع در هر روستا از طرفی و درجه متفاوت گسترش تولیدی کالائی و شهرنشینی از سوی دیگر، میزان و نحوه فعالیت زنان در روستاهای فوق را تحت تأثیر قرار داده است. به‌طوری‌که غلبه شیوه تولید معیشتی در روستای ملومه به شدت و تنوع فعالیت‌های زنان افزوده است.

همچنین به دلیل نفوذ اقتصاد کالایی و الگوهای زندگی شهری در روستای چاف پائین، نقش سنتی زنان چه در صحنه اجتماع و چه در صحنه خانواده محدود شده است. به‌طوری‌که از طرفی فعالیت‌های تولید کشاورزی زنان بتدریج فقط منحصر به برنج‌کاری می‌شود و از سوی دیگر با بکارگیری لوازم و خدمات مدرن، همچون تلویزیون، یخچال، اجاق گاز، فرش ماشینی، آب لوله‌کشی و برق، حجم کار خانگی ایشان کاهش پیدا کرده است.

در این میان در روستای آهندان، شیوه تولید معیشتی و کالایی در کنار یکدیگر همزیستی دارند. به علاوه خاص اقلیم خاص منطقه که تنوع کشت محصولات را میسر نموده است، بر میزان فعالیت زنان می‌افزاید. با این همه دوگانگی نقش زنان کاملاً مشهود

است و زنان این روستا با اینکه وابسته زندگی سنتی خود هستند، برای دختران خود آرزوی داشتن مشاغل شهری و رفاه و آسودگی زن شهری را دارند.



ژوهرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشتها

۱- حتی در این کشورها نیز بشر هنوز نتوانسته است بر خطرات ناشی از آلودگی هوا، خاک، سرو صدا و همچنین سایر بلایای طبیعی همچون طوفان و زلزله فایق آید.

۲- باید توجه داشت اولاً مطالعه حاضر، صرفاً یک مطالعه توصیفی است. ثانیاً یافته‌های این تحقیق را نمی‌توان به سایر نقاط تعمیم داد. زیرا همان‌طور که از دیدگاه نظری ما استنباط می‌شود، هر اقلیمی ویژگی‌های خاص و متفاوتی دارد که قابل تعمیم به سایر اقلیمها نیست. بنابراین نمی‌توان نتایج این تحقیق را مثلاً برای زنان روستائی منطقه جنوب نیز صادق دانست. اما به‌طور کلی می‌توان گفت: «فعالتهای تولیدی زنان روستائی، تحت تأثیر شرایط اقلیمی قرار می‌گیرد.»

روش ما در این تحقیق روش میدانی و تکنیکهای مورد استفاده مصاحبه نیمه متمرکز و مشاهده آزاد بوده است. بدین منظور در هر روستا با ۳ زن روستائی که مستقیماً در امور تولیدی نقش فعال داشتند، (مادران خانواده) با هر کدام به مدت ۳ ساعت مصاحبه شده است. برای انجام مصاحبه از پرسشنامه یا سئوالات از قبل تعیین شده‌ای استفاده نشد، زیرا اولاً برای جمع‌آوری اطلاعات و جلب اعتماد زنان روستائی، لازم بود تا محیط غیررسمی و صمیمانه‌ای ایجاد شود و ثانیاً گروه تحقیق و مصاحبه‌گر به خاطر شناخت قبلی خود از روستاهای گیلان و نقش زنان روستائی در امور تولیدی، بخوبی می‌توانست جهت مصاحبه را کنترل و هدایت نماید.

پس از جمع‌آوری اطلاعات، تیم تحقیق آنها را مرتب و طبقه‌بندی کرده و به‌صورت دستی استخراج نموده است.

این بررسی در شهریور سال ۱۳۶۷ انجام شده است.

۳- به‌طور کلی در هر سه روستای مورد بررسی فعالتهایی که مکانیزه شده‌اند - حتی اگر قبلاً به‌طور سنتی توسط زنان انجام می‌شدند - به‌صورت فعالیتی مردانه در آمده‌اند.

بنابراین، آن دسته از فعالیت‌های خرمن‌کوبی که توسط ماشین انجام می‌شود را مردان انجام داده و سایر مراحل همچون جمع‌آوری خرمنها، دسته‌کردن آنها و نظافت محل خرمن‌کوبی به عهده زنان می‌باشد.

۴- «چاشو» نوعی پارچه ابریشمی با طرح چهارخانه و به صورت مربع است که زنان ده در هنگام کار خصوصاً نشاء و وجین دور کمر خود می‌بندند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی